

## مبانی نظری بزه پوشی در حقوق کیفری اسلام و اندیشه‌های جرم‌شناسی غربی<sup>۱</sup>

علی اصغر خمسه<sup>۲</sup>، احمد رضانی<sup>۳</sup>، علیرضا مظلوم<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

از صفحه ۱۲۹ تا ۱۵۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

### چکیده

در این تحقیق سعی شده به مهمترین مبانی نظری بزه پوشی در اسلام و انطباق آن با برخی نظریه‌های قرین در مکاتب کیفری غرب پرداخته شود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به شیوه توصیفی-تحلیلی است. طبق یافته‌های مرتبط با موضوع از طریق مطالعه، پیرامون منابع فقهی و حقوقی در اندیشه‌های اسلامی، بزه‌پوشی شیوه و روشی غیرقهری و غیرکیفری است که تکیه آن بر قضازدایی و معطوف به برخی جرایم حدی و جرایم تعزیری جنسی است که با استفاده از رویکرد نهناسازی و مخفی‌سازی بدن‌بال تحقق شرمساری، حفظ آبرو، تقویت خودسازی و خودکنترلی، تنبه درونی و هم‌چنین جلوگیری از نشر و عادی‌سازی اینگونه انحرافات است. برخی از آیات قران کریم، روایات و احادیث، اصول و قواعد فقهی، سنت، عرف و عقل از مهمترین مبانی نظری بزه پوشی است که در آموزه‌های اسلامی به کرات ذکر شده است. این نظریه با برخی مفاهیم نوین جرم‌شناسی در حقوق غربی، همچون کیفرزدایی، برجسب زنی، الغاگرایی کیفری، قضازدایی و تعقیب زدایی که بعد از ظهور انقلابهای فکری، توسط اندیشمندان غربی مطرح شده و در قوانین کیفری کشورهای غربی و سایر کشورها پیاده سازی گردیده، در برخی جهات مشترک و از جهاتی نیز متفاوت است. در حال حاضر، نظریه بزه‌پوشی با اندیشه‌های نوین جرم‌شناسی در ظهور، شکل‌گیری و تقویت رویکرد کمینه‌سازی کیفری، میانجیگری، حبس‌زدایی، بازپروری و جلوگیری از تکرار جرم مؤثر واقع شده است.

### واژگان کلیدی

بزه‌پوشی، سیاست جنایی، برجسب زنی، الغاگرایی کیفری، تعقیب زدایی کیفری

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "مبانی بزه‌پوشی و جلوه‌های آن در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران" است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
رایانامه: ahmad\_hajer@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).  
رایانامه: Amd@gmail.com

۴. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
رایانامه: alireza\_mazlom@gmail.com

## ۱. مقدمه

حکومت های مختلف دینی و غیردینی، متأثر از دیدگاه های فکری و اعتقادی و با استفاده از روش ها و شیوه های مختلف قهری و غیرقهری با رفتارهای هنجارشکن و انحرافات اجتماعی مقابله نموده تا ضمن تحقق اهداف مورد نظر، جامعه خود را بازسازی کنند این مجموعه ای از روش ها و شیوه های اجتماعی و کیفری که امروزه سیاست جنایی نامیده می شود در حکومت‌های مختلف متفاوت می باشد. این سیاست در مکتب اسلام با توجه به نوع نگاه آموزه های اسلامی، قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) به کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، بازپروری و اصلاح افراد خطاکار، از شیوه های اصلاحی، تربیتی، نهان سازی و بعضاً قهرآمیز استفاده می نماید. (گلپایگانی، ۱۳۸۵، ص ۶۱) ظهور دین اسلام در میان جوامع بدوی که از قبایل خشن و طوایف متعصب تشکیل شده و در قوانین کیفری خود، کمترین توجه را به برنامه های آموزشی و تربیتی قائل بودند، تبدیل به نقطه عطفی در حوزه های حقوق کیفری و سیاست جنایی شد. آموزه های اسلامی با بهره‌گیری از متدهای مختلف و متون نورانی وحی و کلام پیامبر (ص) و احادیث اهل بیت (ع) در شیوه های کیفری و مجازاتهای اجتماعی تغییرات چشمگیری را بوجود آورد که دامنه آن در جوامع بسیاری گسترش یافته و نظام های حقوقی سایر کشورها را متأثر نمود. اصولی همچون قانونی بودن جرم و مجازات، عدم مجازات اطفال و مجانین، عطف بماسبق نشدن مجازاتها، توجه به برنامه های تربیتی و پیشگیرانه، شخصی و فردی بودن مجازاتها و ... از جمله اصولی است که در متون کیفری و نظریه های علمی سایر کشورها و دولتها اثرات مثبت و سازنده‌ای داشته و باعث تکامل سیر علمی حقوق کیفری در عرصه های مختلف شد. بزه پوشی به عنوان روشی بدیع و جدید در حوزه جرم شناسی و پیشگیری از وقوع جرم و جلوگیری از عادی شدن و اشاعه آن در سیاست جنایی اسلام جایگاه بسزایی دارد. این نوع سیاست که برای انسان ها کرامت و ارزش اجتماعی قائل است در جهت حفظ آبرو و حیثیت افراد و خانواده‌ها تلاشهای وافری دارد (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۲). جلوگیری از برچسب زنی و خدشه بر حیثیت حقیقی مجرم همیشه مورد تأکید است. هدف اسلام از اعمال واکنشهای اجتماعی علیه بزهکاری، اصلاح، بازپروری و تنبیه ایشان و جامعه است. بنابراین ترسیم رویکردهای مواجهه با جرائم و مجرمان مختلف در سیاست جنایی اسلام یکسان نمی‌باشد، گاهی از واکنش های قهری بهره می‌برد و گاهی از رفتارهای غیرقهری استفاده می‌کند. بسیاری از مکاتب مختلف حقوقی پس از تلاش های بسیار فراوان اندیشمندان و تجربیات ارزشمند به این نتیجه رسیده اند که سیاست کیفری و اعمال مجازاتهای مختلف تنها راه مقابله با بزهکاری و از بین بردن عوامل مجرمانه نیست. بلکه در کنار

سیاست کیفری می‌بایست از روشهای دیگر نیز بهره برد. نظریه و تئوری برچسب زنی، عدالت ترمیمی، قضا زدایی، کیفر زدایی، میانجیگری و ... نمونه هایی از این روشهاست. (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۶۵). از منظر اسلام گاهی اوقات تعقیب، کشف و مجازات مجرمین نه تنها بر اصلاح و باز پروری مجرم منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است مشکلات بیشتری برای ایشان و خانواده وی به وجود بیاورد. جرم انگاری و احصاء قوانین کیفری در جرایم اخلاقی و حدود الهی و برخی جرایم تعزیری با مراحل رسیدگی از جمله کشف و تعقیب مجرم دو مقوله متفاوت است. هدف قانونگذار این نیست که هر رفتار و کنش اجتماعی بایستی به مجازات ختم گردد. گاهی به دنبال تهدید و ارباب خطا کاران است تا از این طریق پیشگیری از جرایم اتفاق بیفتند؛ اما اگر برخی جرایم اخلاقی بروز و ظهور کند که شرایط رسیدگی را ندارد، از اصل تغافل و بزه پوشی استفاده می نماید.

تعیین و اعمال مجازات مجرمین و خطاکاران در حکومت‌های غربی که از برخی مبانی فکری ادیان الهی همچون یهودیت و مسیحیت و برخی اندیشه های غیردینی و مادی بهره می‌گرفتند، غالباً خشن، غیرانسانی، قهرآمیز و بدون توجه به اصول صحیح دادرسی بوده است. حاکمان و اندیشمندان این عرصه در قرون گذشته، تنها راه اصلاح مجرمین، تنبه دیگران و بازدارندگی جرم را در بکارگیری ابزار کیفری و قهرآمیز می دانسته و به سایر روشهای دیگر که امروزه مطرح شده، هیچ توجه‌ای نمی‌کردند. آنها برای حفظ قدرت و تقویت پایه‌های حکومت خود دست به هر اقدام غیرانسانی می زدند و کسانی که قوانین و مقررات حکومتی را رعایت نمی کردند، به شدت مجازات می نمودند. به مرور بعد از گذشت قرون متمادی و تغییر و تحولات فکری و ظهور نهضت های علمی در غرب که بعد از عصر رنسانس و تأثیر آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های فکری دانشمندان اسلامی رخ داد، اندیشه‌های حقوق کیفری نیز دچار دگرگونی فراوانی گردید و از دل آن تحولات، مکاتب حقوق کیفری بر اساس دیدگاههای روانشناسی، جامعه شناسی و جرم‌شناسی ظهور نمود. مکاتبی همچون کلاسیک، نئوکلاسیک، عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی نوین که توسط اندیشمندان مختلف مطرح و منشأ تغییر و تحولات فراوانی در عرصه حقوق کیفری شدند. هر چند مکاتب ذکر شده در برخی مبانی نظری و رویکردهای فکری نظریه پردازان، اختلافاتی داشتند. لکن آنچه مهم و قابل توجه است، نوع دیدگاه حاکم بر مجازاتهای کیفری در مواجهه با مجرمین و اعمال مجازاتها، دچار تغییرات اساسی شد. نگاه باز پروری، اصلاح و تربیت خطاکاران و مجرمین در اولویت قرار گرفت و برنامه‌های پیشگیرانه، شیوه‌های غیر کیفری و اقدامات تأمینی در ادبیات حقوق کیفری جایگاه ویژه ای پیدا نمود. از منظر این اندیشه‌های نوین، تنها راه اعمال و اجرای سیاست جنایی، بکارگیری مجازاتهای قهرآمیز نیست، بلکه شیوه‌های دیگری نیز می‌تواند

جایگزین مجازاتهای کیفری شود. این شیوه‌ها که بر اساس سیاست قضازدایی، جرم زدایی و کیفر زدایی استوار است، در قوانین کشورهای غربی و سایر کشورها منشأ اثر بوده و تغییرات مهمی را بوجود آورد. به نظر می‌رسد این اندیشه‌های نوین جرم‌شناسی که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و با تلاش‌های آنها رشد و پرورش یافت، در برخی جهات فکری مشابه نظریه‌های حقوق کیفری اسلام است.

## ۲. سؤالات پژوهش

۱. مهمترین مبانی نظری بزه پوشی در آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های قرین آن در برخی مکاتب کیفری غربی کدام است؟
۲. وجوه اشتراک و افتراق نظریه بزه پوشی با برخی نظریه‌های قرین آن در جرم‌شناسی غربی چیست؟
۳. آیا رویکرد اندیشه‌های اسلامی و غربی در مواجهه با انحرافات از یک شیوه و روش واحدی بهره می‌گیرد؟
۴. بزه پوشی بعنوان جلوه‌ای از سیاست جنایی اسلام در ظهور اندیشه‌های جرم‌شناسی غربی به چه میزان مؤثر بوده است؟

## ۳. پیشینه پژوهش

نجفی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی جرم‌شناختی سیاست بزه پوشی" توجه به ارزشهای اخلاقی و مسائل اجتماعی و هم‌چنین کیفرزدایی در جهت حفظ سرافرازی موقعیت انسانی در غالب سیاست بزه پوشی را یکی از راهکارهای مؤثر و مفید در جهت رفع تبعات، مشکلات و آثار اجتماعی ناشی از رویکردهای صرفاً کیفری می‌داند. هادی‌نژاد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "الگاگرایی کیفری و تأثیر آن بر عدالت بعنوان یک مؤلفه اخلاقی" به این جمع‌بندی رسیده که اندیشه‌الگاگرایی کیفری بر حقوق عدالت اخلاقی بسیار تأثیرگذار بوده و این تأثیر به شکل مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است. از نظر نویسنده، تعلیق تعقیب، ارجاع به میانجیگری و ارجاع پرونده به شورای حل اختلاف از مهمترین مصادیق عرفی شدن و اخلاقی شدن در حقوق کیفری ایران می‌باشد. جعفری بجنوردی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "تعقیب‌زدایی کیفری بازتابی نوین از الگاگرایی کیفری" اشاره داشته است، یافته‌های الگاگرایی کیفری که توسط اندیشمندان غربی مطرح و مورد استقبال دیگران قرار گرفت، تاکنون در سیاست جنایی کشورها

در اشکال جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضا‌زدایی تبلور پیدا نموده است. از نظر نویسنده، تعقیب‌زدایی کیفری نیز مفهومی نوین و در راستای سیاست عدم مداخله حقوق کیفری است. زیوری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال زنان بزه دیده جرایم جنسی" به این جمع‌بندی رسیده که ره یافت سیاست جنایی ایران در قبال جرایم جنسی، اتخاذ موضع سخت‌گیرانه در سیاست جنایی تقنینی و تسامح در سیاست جنایی قضایی می‌باشد. کرمی‌پور و میرخلیل (۱۳۹۴) در مقاله "جایگاه بزه‌پوشی در جرایم جنسی و حقوق موضوع ایران" به این نتیجه رسیده‌اند که شیوع و آشکار نمودن جرایم جنسی موجب جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی مردم می‌گردد. از این رو است که در مبانی اسلامی، تأکید بر پوشاندن و پنهان داشتن اینگونه جرایم شده است. در این مقاله، برخی از آیات قرآن، روایات دینی و قاعده درء از جمله دلایل بزه‌پوشی در جرایم جنسی اعلام شده است.

#### ۴. مبانی نظری پژوهش

##### ۴-۱. مفهوم بزه‌پوشی

واژه بزه‌پوشی از دو کلمه بزه و پوش تشکیل شده است و منظور از بزه‌پوشی و یا جرم‌پوشی همان ستر بزه و جرم است. البته (بافتح) مصدر فعل سترت الشیء، اشرته (به معنای اعظیته) است. (شرتوتی البنانی، ۱۳۷۲، ص ۷۶۷) به معنای اخفای یعنی پنهان کردن، حفظ کردن، نقاب انداختن، چشم پوشیدن و عفو کردن می‌باشد. الستر (بالکسر) به معنای و هو ما بیشتر به (آنچه بوسیله آن چیزی پوشیده می‌شود) و جمع آن الستور، الاستار، اساتیر می‌باشد که در معنای حجاب، پرده پوشش و سرپوش بکاررفته است. (جوهری، ۱۹۹۰، ص ۶۷۶). بر همین اساس است که ستار از صفات خداوند است و به معنی پوشاننده عیب است (حسینی زبیدی، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۴۹۸). در حکمت ششم نهج‌البلاغه، چشم‌پوشی در معنای واژه احتمال آمده است: "البشاشه حباله المحبه و الاحتمال قبرالعیوب" گشاده رویی کمند محبت و چشم پوشی قبر عیبهای مؤمن است (قرشی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۵). بزه‌پوشی در نظریات علمی جرم‌شناسی و لغت لاتین معادل "none-denonciation" می‌باشد که به معنای عدم اطلاع جرم به مقامات قضایی، عدم هتک شرف و عدم اتهام به کاررفته است (رمضانی نوری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۵). در اصطلاحات حقوقی کلمه بزه‌پوشی بطور مشخص تعریف نشده لکن با استفاده از نظریه‌های مختلف می‌توان آن را اینگونه تعریف نمود: «چشم‌پوشی و نهانسازی شرعی و قانونی از رفتارهای مجرمانه در جرایم اخلاقی فردی و عدم اشاعه آن توسط مرتکبان، مقامات قضایی و مطلعان، به منظور ایجاد

شرمساری و ندامت مجرمین و حفظ آبرو و حیثیت ایشان و عدم تکرار وقوع جرم با پیش‌بینی الزامات قانونی»

۴-۲. سیر تاریخی بزه‌پوشی

۴-۲-۱. قبل از اسلام

۴-۲-۱-۱. زرتشت

براساس تعالیم زرتشت، عدالت عبارت بود از مجازات خطاکاران که با خشونت و سختگیری صورت می‌پذیرفت. بنابراین اغماض و چشم‌پوشی از گناهان و جرایم در آئین زرتشت جایگاهی نداشته و بیشتر تاکید بر مجازات و کیفر می‌شد. برای مثال در یسنای ۴۶ آمده است: «آنچه را که من برای خود آرزو می‌کنم باید کاملاً قانونی باشد و تجاوز از این حدود را مجازات شدیدتر قائل خواهم بود.» در واقع زرتشت با اجرای عدالت می‌خواست مردم را وادار به ترک عقاید ناموزون پیشین نماید تا انسانهایی تازه بسازد به همین جهت به مردم وعده می‌دهد که روز مجازات فرا می‌رسد. (وارن، ۱۳۶۲، ص ۶۰)

۴-۲-۱-۲. یهودیت

جوامع غربی قبل از ظهور اسلام، به تأسی از ادیان یهودیت و مسیحیت، قوانین و مقررات آن همراه با مجازاتهای خشن و کیفرهای شدید قرار داشته است. در دین یهود همه قوانین و مقررات مربوط به قضاوت دینی بوده و معبد به عنوان دادگاه و کاهنان عنوان قضات را داشتند. به اتهامات جنایی، دادگاهی مرکب از ۲۳ عضو رسیدگی می‌کرده که گناهان کوچک خود را با اعتراف و پرداخت جریمه مجازات می‌نمودند و جرایمی مانند آدمکشی، بت پرستی، زنا و... را با کیفر اعدام رسیدگی می‌کرد. در واقع قضاوت در جامعه یهودی بر پایه مجازات قصاص و مقابله به مثل بود (حجتی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۴۳). با توجه به بررسی مقررات کیفری یهود برمی‌آید که آئین یهود، شریعت دشواری بوده است. این دشواری در قواعد و احکام و مقررات این دین دیده می‌شود و در واقع مجازات برای جلوگیری از نقض مقررات و دفع بدی و نجاست از بنی‌اسرائیل و ترس مردم وضع شده است و در واقع فلسفه مجازات در آئین یهود عمدتاً ارعاب و بازدارندگی بوده است (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳).

۴-۲-۱-۳. مسیحیت

در جوامع مسیحی نیز چنین رویکردی حاکم بوده و سیاست بزه‌پوشی و چشم‌پوشی با توجه به انحرافات که در تعالیم ادیان مذکور و تحریفاتی که در کتب آسمانی آنها ایجاد شده، دور از ذهن می‌باشد. قرون وسطی که بعضاً از آن به هزاره تاریکی در اروپا یاد می‌شود، دورانی است

که آباء کلیسا نسبت به مقوله تفسیر و تاویل متون دینی و ارائه دکترینهای دینی تحت تأثیر آموزه‌های فلسفی یونانی، قرار می‌گیرند. با این حال، حضور و قلمرو کلیسا صرفاً به ارائه دکترین ایدئولوژیک- انتزاعی محدود نمی‌شود. کلیسا برآن است با برداشتی که از نصوص دینی پیدا می‌کند تا جایی که میسور است فرامین الهی که به زغم خود، اطاعت آنها موجب خشنودی ذات باری و جلال او می‌شود را اجرا کند. درست در همین زمان است که ضمن شکل‌گیری تئوکراسی مسیحی، سیاست ابزارگرایانه جهت تحقق اهداف الهی در دستور کار قرار می‌گیرد، ازاین زمان ابزارهایی که قدرت حاکمیت یا کلیسا را برهنه و عریان می‌سازد، در اشکال مختلفی همچون قاپوق، ابزارهای سهمگین اعتراف‌گیری و نهایتاً تل خار و هیزم که محکوم در آن سوزانده می‌شد، به منصف ظهور می‌رسند. (نوذری، ۱۳۸۰، ص ۷۶) با توجه به تبلیغ مبلغان مسیحی و به منظور در امان ماندن مجرمین از مجازتها در آن دنیا، مردم خود با صراحت و بطور خود خواسته با اقرار و اعتراف، مقدمات را برای مجازات این دنیا فراهم می‌آوردند تا از عذاب خداوند ایمن باشند.

۴-۲. اسلام

ظهور اسلام و بعثت پیامبر خاتم (ص) در شبه جزیره عربستان که از جهت انحرافات اجتماعی، بتپرستی و همچنین اتخاذ سیاستهای کیفری خشن و شدید و گاه غیرانسانی مشهور و معروف بوده، سرآغاز شکل‌گیری فرهنگی نوین و آموزه‌های علمی و متمدن در ابعاد مختلف اجتماعی و حاکمیتی از سیاست جنایی خاص و آموزه‌های اسلامی، توانست بر بسیاری از نظریات علمی، قوانین و مقررات ماهوی و شکلی اثرگذار باشد نگرش ویژه‌ای که در حقوق اسلام نسبت به کنش و واکنشهای جزایی وجود دارد، موجب شده است که در سیاست جنایی عکسالعمل‌های کیفری تنها طریق مبارزه با تبهکاری تلقی نشده، حتی راهی مناسب و کارآمد نیز شناخته نگردد و از این رو صورت‌های مختلف و گسترده‌ای در گریز از اجرای واکنشهای جزایی پیش‌بینی و در جهت دفع کیفر تلاش شده است. (متقی هندی، ۱۴۱۰ه، ص ۳۹۹) دو ویژگی سیاست جنایی اسلام، "گسترده‌گی جرایم قابل گذشت" و "ترجیح خطاپوشی" موجب عدم تعقیب بخشی از جرایم می- باشند. آموزه‌های اخلاقی و مقررات حقوقی ناظر بر تشویق پاره‌ای از مجرمان که جرم ارتكابی آنها دارای جنبه غالب شخصی است و نیز ترغیب حاکم به ستر گناه و پوشیدن خطا و روی آوردن به توبه بین خود و خدای خود، به این دسته از مجرمین نقش سازنده‌ای داده است که بدون آنکه خود را در معرض تعقیب و جزای کیفری قرار دهند، به اصلاح خود و جبران خطا بپردازند (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱). گسترش اسلام در میان کشورهای عربی و توسعه آن در آفریقا و اروپا و ترجمه قرآن کریم، احادیث نبوی و اهل بیت (ع) توسط اندیشمندان غربی و آشنایی آنها

با متون فقهی و آموزه‌های دینی اسلام، باعث گردید بسیاری از نظریه پردازان حقوقی با اصول حقوق اسلام و نظرات اندیشمندانی همچون ابن سینا، شیخ طوسی، شهید اول و ثانی، سید رضی و دیگر علمای اسلامی آشنا شده و در ارائه نظرات علمی و قوانین مختلف از آن بهره ببرند. عصر رنسانس و گسترش اسلام و بهره برداری از متون اسلامی در جوامع غربی نمونه‌ای بارز از این سخن است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرماید:

«ما استعداد داریم، ما در قرن چهارم هجری یعنی قرن دهم میلادی دوران شکوفایی داشتیم. می‌دانید که قرن دهم میلادی تقریباً قرن آغاز قرون وسطای اروپاست که شش، هفت قرن هم طول کشیده است. اما قرن دهم میلادی اوج تاریکی اروپاست. قرن چهارم هجری، قرن شکوفایی علم و فلسفه در کشور ایران و در دنیای اسلام است. قرن ابن سینا، فارابی، رازی، قرن حکمای بزرگ الهی، قرن شخصیت‌هایی که بعضی از آثار علمی آنها دنیا را تا همین روزهایی که من و شما زندگی می‌کنیم، هنوز در تسخیر خود دارد» (۱۳۷۹/۱۲/۹).

استاد دکتر عبدالرزاق منصوری و دکتر احمد حشمت اونیت، در مقارنه بین شریعت و قانون رومانی گفته‌اند: "در شریعت اسلام در طریق رشد و نمو خود، راه حقوق رومانی را نپیموده است. این نظام حقوقی در ابتدا به صورت عادات رایج بود و از طریق دعاوی و قوانین اجرایی و شکلی رشد یافت. اما شریعت اسلامی بصورت کتاب آسمانی و روحی نازل شد و از طریق قیاسی منطقی رشد پیدا کرد، جز آن که فقهای مسلمان یک برتری بر حقوقدانان رومی بلکه بر تمامی حقوقدانان عالم دارند و آن این که در دست ایشان اصول و مبادی عامی است که اصول احکام بوده و اصول فقه نامیده می‌شود" (محمضان، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶). نویسنده کتاب فلسفه قانونگذاری در اسلام به نکته جالبی نیز اشاره می‌نماید که واقعاً شنیدنی است و تاکید بر ادعای ما می‌باشد: "به هر حال برخی از تئوریهای قانونی لاتین در حقوق رومی سابقه نداشت و آنها را پس از دوره نهضت اروپا، شارحان و مفسران تحصیلکرده مدرسه بولونیای ایتالیا و مدارس اروپایی دیگر پدید آوردند. گمان قوی می‌رود که آنان از تعلیمات حقوق عرب از طریق اندلس و غیره استفاده کرده باشند و از آن روزگار تا کنون کتابخانه‌های اروپا سرشار از کتابها و دستنویس‌های عربی است و حتی کلمات فراوانی از زبان عرب وارد زبان اروپایی شده است. چنانچه به نظریه‌هایی که علمای قرون وسطی به تدوین آن خصوصاً در اسپانیا پرداختند نگاه کنیم، خواهیم دید که اغلب آنها با نظریات موجود در حقوق اسلام همانند است. مانند سفته و برات که از قرن هشتم به بعد و پس از چهار قرن به هنگام جنگ‌های صلیبی از طریق اندلس که در آن روزگار شهری عربی بود و هم چنین از راه ایتالیا به اروپا راه یافت."



نظریه بزه‌پوشی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در برخی قوانین و اسناد الزام‌آور به شکل رسمی وارد عرصه حقوق نیز گردید، دارای مبانی منطقی و استدلال‌های عقلی و نقلی است. بنابراین تبیین این نظریه و بیان مبانی آن مستلزم توجه به آموزه‌های اسلامی و سیاست جنایی این دین الهی است.

قرآن کریم مهمترین منبع حقوق جزا در شریعت اسلامی است. این کتاب مقدس امور اخلاقی، اعتقادی، تاریخی، عبادات و احکام حقوق مدنی و کیفری را در بردارد که از طریق وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده و اساس و شالوده تعلیمات و معارف اسلامی را تشکیل می‌دهد (شهبازی خراسانی، ۱۳۷۶، ص ۳۹۸). از منظر قرآن کریم حفظ کرامت انسان و تغافل در برابر اشتباهات دیگران از فضائل اخلاقی بشمار می‌رود. بر همین اساس سیاست جنایی قرآن کریم در مواجهه با بزهکاران و انحرافات اجتماعی از ابعاد مختلف و روشهای گوناگونی بهره می‌گیرد. به عنوان نمونه در برابر برخی جرایم و گناهان از واژه‌هایی همچون تغافل، عدم اشاعه فحشا، منع تجسس و تفحص در امور دیگران استفاده نموده که به آن اشاراتی می‌نماییم.

## الف) تغافل

تغافل با کلمات متفاوتی همچون چشم‌پوشی، عفو و گذشت، اغماض و نادیده گرفتن مترادف و هم معنی است. در قرآن کریم بهترین واژه‌ای که این را به طور کامل می‌رساند، واژه صفح است. خداوند در آیه ۲۲ سوره نور می‌فرماید: "و ليعفوا و لیصفحوا الا تحبون یغفر الله لکم و الله غفور رحیم" باید عفو کنید و لغزشهای دیگران را نادیده بگیرید، آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم" اگر عفو کنید و صرف‌نظر نمایید و ببخشید، خدا شما را می‌بخشد، چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است. قرآن کریم، تغافل و چشم‌پوشی را از ویژگیهای بندگان واقعی خدا برشمرده است: "و عباد الرحمن الذین یشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما ... و اذا مروا باللغو. مروا کراما" بندگان واقعی خدای رحمان، کسانی هستند که با فروتنی بر زمین راه می‌روند و چون نادانان به شیوه‌ای ناروا (با آنها رو به رو شوند، با مسالمت و آرامش، سلام گویند) و چون گفتار یا کردار بیهوده ببینند، بزرگوارانه از کنار آن می‌گذرند (آیه ۱۰۲ سوره نساء). قرآن کریم در کنار سفارش بر تغافل، به موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیز

اشاره می نماید که می بایست به هر دو موضوع توجه لازم را داشت و از افراط و تفریط دوری نمود. در واژه امر و نهی، مفهوم فرمان تعبیه شده است. در معنی امر گفته اند: هو الطلب مع الاستعلاء (همان خواستن با برتری است که مرادف با فرمان است) و در واژه نهی گفته اند، النهی الزجر علی الشی (نهی یعنی بازداشتن از چیزی که همان فرمان ترک است) (خاتمی، ۱۳۷۲، ص ۱۵). امر به معروف و نهی از منکر از فرائض مهم اجتماعی است که مورد تأکید قرآن کریم بوده است. خداوند در آیه ۱۱۰ سوره عمران می فرماید: "کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر" شما ملت مسلمان بهترین امتی بودید که مردم را به کارهای نیک دعوت و از انجام کارهای ناپسند برحذر می دارید. بنابراین تفکیک و مرزبندی این فریضه الهی و تعافل و چشم پوشی که اشاره گردیده مهم است. یعنی اجرای هر یک از مباحث مذکور مانع دیگری نیست، بلکه در جهت تکامل و تقویت یکدیگرند و تنها زمان و شرایط استفاده و بهره برداری از روشهای یاد شده متفاوت است.

ب) منع اشاعه فحشا در قرآن کریم

کشف جرم اغلب با گسترش خبرهای مربوط به آن همراه است که این موضوع با توجه به انتشار مکرر اخبار وقوع آن، ضعف حساسیتهای عمومی را نسبت به جرم در پی خواهد داشت. خطر عادی شدن جرم علاوه بر تزلزل احساس امنیت در جامعه و شیوع ترس از جرم که مبتنی بر احتمال بزه دیده واقع شدن هر شهروندی است، غیرقابل اغماض و چشم پوشی می باشد. کاهش زشتی و بدی جرم وحشتناک پدیده ای است که می تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی می کند (رهایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). از منظر قرآن کریم اثبات جرایم اخلاقی و منکرات اجتماعی در بسیاری از موارد دشوار و سخت تعیین شده و موانع بسیاری در جهت احراز موضوع قرار داده شده است. آیه ۴ سوره مبارک نور می فرماید: "و الذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باریعه شهداء فاجلد و هم ثمانین جلد و لا تقلبوا لهم شهاده ابدًا و اولئک هم الفاسقون" کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی) خود نمی آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرند و آنها همان فاسقانند. این رویکرد قرآن کریم، امری بدیع و بسیار ظریف در مواجهه با تعاملات و روابط اجتماعی است. از منظر قرآن کریم زندگی خصوصی و آزادیهای فردی و مشروع افراد، مهم و با ارزش بوده و تجسس، کنجکاوی و تفحص غیرقانونی در این حریم، ناپسند و ناشایست محسوب می شود. تعیین مجازات و اعمال آن برای کسانی که بدون دلایل و مستندات شرعی و قانونی دیگران را متهم به وقوع جرایم و انحرافات می نمایند، حکایت از این اهمیت دارد که اسلام حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از اشاعه منکرات را اصل و اولویت

می‌داند و خیلی به دنبال ظهور و اثبات آن نیست. بدون شک تعیین چهار شاهد برای اثبات انحرافات اخلاقی امری دشوار است و تعیین مجازات برای کسانی که به دیگران اتهام انحرافات اخلاقی را نسبت می‌دهند لکن برای ادعای خود مثلاً سه شاهد ارائه می‌دهند، خود نشان از توجه قرآن کریم و آموزه‌های دینی به نهانسازی و کتمانسازی برخی رفتارهای ناپسند دارد. آیه ۱۹ سوره مبارک نور اشاره می‌فرماید: "ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنيا و الاخره و الله یتعلم و انتم لا تعلمون" کسانی که دوست دارند اعمال زشت را در جامعه اسلامی اشاعه نمایند برای آنان عذاب سخت در دنیا و آخرت است. آیه در بزرگی گناه شایعه پراکنی سخن می‌گوید. خداوند می‌فرماید: حتی کسانی که نشر دادن فحشا را دوست دارند معذبشان خواهیم کرد. یحبون یعنی دوست دارند، ان تشیع یعنی شایع شود، تجسس شود که فاش شود، فاحشه و فحشا یعنی زشتکاری، گناه بزرگ (بهرامپور، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹). امام صادق (ع) در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: "من قال فی مومن ما راته عیناه و سمعته اذناه فهو من الذین قال الله عزوجل ان الذین یحبون ... فی الدنيا و الاخره" کسی که در مورد مؤمنی آنچه را که چشمش دیده و گوشش شنیده، بگوید، مصداق کسانی است که دوست دارند فحشا را اشاعه دهند و برای آنها درد دنیا و آخرت عذاب الیم می‌باشد (حسینی بحرانی، ۱۴۱۹ ه. ق، ص ۶۶).

۴-۳-۲. بزه‌پوشی در سنت معصومین (ع)

الف) روایات و احادیث

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: "کسانی که در خفا یا پنهانی مرتکب کارهای زشت می‌شوند، باید معصیت آنها مخفی نگاه داشته شود، زیرا خداوند معصیت آنها را پوشیده نگاه داشته است" (ابن اخوه، ۱۳۶۰، ص ۳۲). حضرت علی (ع) در خصوص مذمت عیبجویی و پرده‌داری، می‌فرماید: "فحشا کننده و کسی که فحشا را اشاعه دهد از نظر گناه وضعیت یکسانی دارد و گناه هر دو با هم مساوی است" (السیوطی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۰۷). پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) در باب مذمت تجسس و کنکاش درباره انحرافات و گناهان دیگران سفارش می‌نماید: "درباره لغزشهای مؤمنین تجسس و جستجو نکنید زیرا هرکس لغزشهای برادران خود را پی‌جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزشهای او را پی‌جویی خواهد کرد و خداوند چنین کسی را بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت، هرچند در درون خانه‌اش باشد" (کلینی، ۳۲۹ ق، ص ۴۵۵).

امام رضا (ع) در مذمت نشر گناه می‌فرماید: "المذیع بالسیئه مخذول و المستقر بالسیئه مغفور له" آنکس که گناه را نشر دهد، مطرود است و آنکس که گناه را پنهان دارد، مشمول آمرزش الهی است (همان). هم‌چنین حضرت ثامن الحجج (ع) در فضیلت و شرافت عیب‌پوشی که از اوصاف

خداوند سبحان است و ایشان را از این جهت ستارالعیوب معرفی می‌نماید، می‌فرماید: "بر مؤمن سزاوار است که از پروردگار و پیامبر (ص) و امام علی (ع) خود سه خصلت را بیاموزد، خصلتی که از پروردگار باید بیاموزد، عیب‌پوشی و کتمان است" (خزانی، ۱۲۹۷ق، ص ۳۰۲).

(ب) بزه‌پوشی در سیره معصومین (ع)

مطالعه پیرامون سیره و افعال پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) در مواجهه با برخی از جرایم و گناهان مردم نشان می‌دهد که آنها در بسیاری از مواقع برای اثبات جرم، تعیین مجازات و اجرای آن، هیچگونه تلاشی نمی‌کردند، بلکه بر پوشیدن آن کوشش می‌نمودند. از اقرار و اعتراف خطاکاران جلوگیری می‌کردند و آنها را به کتمان اسرار و خلوت‌های خصوصی سفارش می‌نمودند. اجرای فقط شش بار حد در طول مدت چهارصد سال بنابر آنچه مشهور است، در ممالک اسلامی متأثر از این سیاست جنایی خاص است و هرگز نباید آن را ناشی از عدم وقوع جرم در سرزمین‌های پهناور اسلامی تلقی کرد (قطب، ۱۳۵۲، ص ۲۷۲). بنابر اعلام مورخان و راویان، افرادی که در زمان پیامبر اکرم (ص) رجم شدند، تنها شش نفر بودند که نام آنها بعضاً در برخی متون ذکر گردیده و از بیان آن خودداری می‌نماییم (الجوزیه، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۰) نقل شده است که روزی شخصی نزد پیامبر (ص) آمد و به ایشان گفت: «ای رسول خدا (ص) من مرتکب زنا شده‌ام ولی پیامبر (ص) از وی روی گرداند و ایشان دوباره از سمت راست پیامبر (ص) آمد و گفت ای رسول من زنا کرده‌ام، باز هم پیامبر (ص) از وی روی گرداند. او برای بار سوم نزد ایشان آمد و گفت، من مرتکب زنا شده‌ام ولی پیامبر (ص) این بار نیز توجهی نکرد، پس از آن بار دیگر نزد پیامبر (ص) اقرار کرد، وقتی با این اقرار، اقرارهای چهارگانه کامل شد، پیامبر (ص) فرمود: شاید بر او بوسه زدی یا او را لمس کردی یا بر وی نظر انداختی، گفت، نه رسول‌الله، حضرت فرمود، آیا با او همبستر شدی، گفت بله، پیامبر (ص) پرسیدند، آیا می‌دانی زنا چیست؟ می‌گوید، بله به حرام کاری کردم که مرد با نحو حلال با همسر خود می‌کند. پیامبر (ص) می‌پرسد: از این گفتار چه انگیزه‌ای داری؟ می‌گوید، می‌خواهم مرا پاک سازی، آنگاه حضرت امر کرد تا او را رجم کردند (الجیعی العاملی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۲۵)

۳-۳-۱. بزه‌پوشی دراجماع فقها

الف) بزه‌پوشی در کلام فقها

فقهای اسلامی در بسیاری از فتاوای خود با تکیه بر مدارک و مستندات موجود، در انحرافات اخلاقی اصل را بر بازگشت درونی، ندامت و توبه مجرم و خطاکار دانسته و ایشان و دیگران را بر نهانسازی و مخفی‌سازی توصیه می‌نمودند. بر همین اساس در کتب فقهی، اظهار عیوب و

لغزشهای دیگران از جمله ویژگیهای ناپسند و ناشایست معرفی شده است. ابن الصلاح حلبی اشاره می‌دارد: "بازگشت نهایی بزه‌کار و اصطلاح داوطلبانه خویش در خطا از اقرار به جرم برای تحمل کیفر، افضل است" (حلبی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۰۷). شیخ طوسی نیز از جمله فقهای بزرگ و علمای طراز اول بوده که در بسیاری از احکام فقهی به کلام و نظرات ایشان رجوع می‌گردد، ایشان در خصوص بزه‌پوشی می‌فرماید: "استتار جرم از سوی مجرم و عدم اعتراف امر در حق الله مستحب شمرده می‌شود" (الطوسی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷۷). شافعی از علمای اهل تسنن نیز در باب عیب پوشی می‌نویسد: "پوشاندن زشتیها شایسته‌تر از اظهار آن است و ما دوست داریم کسی که مرتکب جرایم مشمول حد شده است، آن را بپوشاند، تقوای الهی پیشه کند؛ جرم را تکرار نکند" (شافعی، ۱۳۱۲ق، ص ۱۳۸). هم‌چنین امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث اشاره می‌دارد "از اطلاق بسیاری از اخبار معلوم می‌شود که کشف سر مؤمن حرام است. یعنی عیوبی که از مؤمنین مسطور و مخفی است. چه خلقی یا خلقی یا عملی حرام است، اظهار آن و افشاء آن، چه شخص راضی به آن باشد یا نباشد و چه قصد انتقاص در کار باشد یا نباشد. ولی از مجموع اخبار استفاده می‌شود که انتقاص دخیل در حرمت است، مگر آنکه نفس عمل از اموری باشد که ذکر آن و اشاعه آن محرم شرعی باشد چون معاصی خدا که صاحب معصیت نمی‌تواند اظهار کند و از جمله اشاعه فحشا است" (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۲).

ب) قواعد فقهی و بزه‌پوشی

۱. تسامح و تساهل

خداوند می‌فرماید: "و هو اجنیکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج" در دین بر شما سختی قرار نداده است" (سوره حج آیه ۷۸). خداوند در آیه دیگری با توجه به شناخت از ناتوانی و ضعف انسان می‌فرماید: "یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفا" خداوند می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و می‌داند که انسان ناتوان آفریده شده است (سوره نساء، آیه ۲۸). هم‌چنین در آیه ۱۸۵ سوره بقره به صراحت اشاره می‌فرماید: "یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر" خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

۲. قاعده اصله الصحه

از دیگر اصول علمی که مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است و از آن در کشف و استخراج احکام فقهی، بهره می‌برند، اصل صحت می‌باشد. این قاعده دلالت دارد بر اینکه اعمال افراد را اصولاً باید صحیح و مشروع و حلال تلقی کرد، مادام که دلیلی بر نادرستی و عدم صحت و حرمت آن پیدا نشود و هیچ کس حق ندارد، اعمال افراد را نامشروع و غیرصحیح پندارد، بلکه باید بنا را

بر صحت عمل بگذارد (بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۴۵). خداوند در آیه ۴۹ سوره حجرات می‌فرماید: "اجتنبوا كثيراً من الظن ان الظن اثم" از بسیاری از گمانها بپرهیزید، برخی از گمانها گناه هستند. هم‌چنین در آیه ۸۳ سوره بقره می‌فرماید: "قولوا للناس حسناً..." بدین معنی که با مردم به نیکی سخن بگویید و گفتار شما به گونه‌ای نباشد که سبب بغض و عداوت دیگران یا کینه‌توزی آنها بشود، بلکه بکوشید تا پیوسته با سخنتان دلها را به یکدیگر نزدیک ساخته و مایه دلجویی هم باشید نه دلسردی. مرحوم شیخ انصاری در تفسیر این آیه مبارک، روایتی از امام معصوم (ع) ذکر می‌فرماید: "آیه به این معناست که در مورد مردم تا وقتی که چگونگی کارشان معلوم نشده است جز به خیر سخن مگویید" (انصاری، ۱۳۷۹، ص ۳۱۰).

۳. قاعده در

قاعده در از جمله قواعد فقهی است که مورد اجماع و اتفاق فقهای تشیعه و اهل سنت می‌باشد که بسیاری از فقها در کتب خود به آن اشاره داشته و از آن در دفع حدود الهی استفاده برده‌اند. قاعده مذکور بطور غیرمستقیم بر سیاست بزه‌پوشی تأثیر داشته و تأکیدی بر توجه قواعد فقهی بر موضوع عیب پوشی و مخفی‌سازی انحرافات اخلاقی و جلوگیری از افشای آنها است. ترمذی در کتاب سنن که از منابع معتبر حدیثی اهل سنت است، اشاره به فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: "تا می‌توانید حدود را از مسلمانان دفع کنید (سعی کنید بر کسی حد جاری نشود) پس اگر راه گریزی برای مسلمان به جهت فرار از حد پیدا کردید، او را رها سازید، زیرا اگر حاکم در عفو نمودن خطا کند بهتر از آن است که بی‌گناهی را مجازات نماید" (الترمذی، ۱۴۲۱، ص ۵۶). ابن ماجه و جلال‌الدین سیوطی نیز از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می‌نمایند: "ادروا الحدود بالشبهات" مجازات حدی با شبهه را رها کنید" (سیوطی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴).

۴. برخی محدودیتها

آیت‌الله خوبی اشاره می‌دارد: بعد از ادای شهادت (ثبوت جرم) واجب است که حدود فوری اجرا شود و تأخیر انداختن در اجرای آن جایز نیست. همان گونه که ضمانت کردن برای آزادی مجرم (که حد بر او ثابت شده) جایز نیست و عفو او در اثر شفاعت جایز نیست (خوبی، ۱۸۹۹ق، ص ۳۷). مبنا و اساس موضوع ذکر شده، روایتی است از امام جعفر صادق (ع) که فرموده‌اند: حضرت علی (ع) در خصوص مجازات جرم حدی می‌فرماید: "هرگاه حد نزد امام رسید (و ثابت شد) هیچ کس نباید در مورد (تعطیلی و عدم اجرای) آن حد شفاعت و پا در میانی کند زیرا امام در خصوص آن تسلط و اختیاری ندارد ولی تا زمانی که نزد امام نرسیده است، در صورتی که پشیمانی را (در چهره گناهکار) دیدی، از او شفاعت کن" (همان، ص ۳۷). بر همین اساس در

نظام کیفری اسلام در مواجهه با برخی جرایم و انحرافات اخلاقی اگرچه بزه‌پوشی و تغافل توسعه می‌شود لکن اگر از مراحل مختلف رسیدگی کیفری عبور نماید و به اثبات و احراز برسد ناگزیر اجرای مجازات مسلم و قطعی است .

۴-۳-۱-۴. عقل، مصلحت‌های اجتماعی و بزه‌پوشی

از دیدگاه اسلام، کاربرد عقل در استنباط حقوق بشر در حوزه‌های مختلف است، گاهی استفاده از نیروی اندیشه در فهم و شناخت گزاره‌های دینی موجود در کتاب سنت است، گاهی بدون ضمیمه شدن گزاره‌ای از متون دینی، ما را به سوی احکام شریعت اسلام و متون حقوقی رهنمون می‌دارد. پیروی از بنای عقل نیز در متون و منابع اسلامی به وفور یافت می‌شود (مظفر، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱)

الف) عقل و بزه‌پوشی

۱. اصلاح و تربیت: یکی از مهمترین اهداف مجازات در اسلام، اصلاح و تربیت مجرم است. در نظام کیفری اسلام، مجازات، عقوبتی است که برای مصلحت جامعه در مقابل معصیت اوامر الهی وضع شده و هدف از اعمال آن اصلاح حال بشری، نجات بشر از جهالت و ارشاد و راهنمایی او و بازداشتن انسان از ارتکاب معصیت و گناه و تشویق به اطاعت از خداوند می‌باشد (قنواتی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۱). حضرت امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: "خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک، قصاص را به خاطر حفظ خونها از ریخته شدن بی‌مورد، اجرای حدود را برای اهمیت دادن به جرایم، ترک شرابخوری را برای حفظ عقل و ترک دزدی را برای حفظ اموال و ترک زنا را برای محافظت از نسب و ترک لواط را برای استمرار نسل واجب نمود" (دشتی، ۱۳۸۵، حکمت ۲۵۲). فطرت پاک انسانها و ضمیر آگاه آنها متوجه نقش مؤثر گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای بشری می‌شود و آن را پاک و مقدس می‌داند و با تکریم آن که از آبرو و حیثیت خطاکاران جلوگیری کرده، تلاش می‌نماید تا از درون به دنبال اصلاح و بازگشت به پاکی باشد.

۲. ارعاب و تهدید: یکی از روشهایی که سیاست جنایی اسلام در آموزه‌های مختلف قرآنی و فقهی، به عنوان اقدامی پیشگیرانه استفاده می‌نماید، تهدید و ارعاب می‌باشد. بیان برخی مجازات‌های سخت و شدید در قرآن کریم و احکام فقهی چنین هدفی را دنبال می‌نماید تا بتواند در بازدارندگی نقش مؤثری ایفا نماید. بسیاری از مجازات‌های حدی که در سیاست جنایی اسلام وجود دارد، به عنوان عاملی بازدارنده و اقدامی پیشگیرانه تعریف شده تا از طریق ارعاب و تهدید بتواند از وقوع جرایم و انحرافات اخلاقی در جامعه جلوگیری نماید. بدیهی است که این بازدارندگی در صورتی خواهد بود که پیامدهای ناخوشایند ارتکاب جرم بر منافع و سود حاصل از آن غلبه داشته

باشد و از سوی دیگر هم اجرای مجازاتها و هم نفس وجود مجازتها، این پیامد را برای دیگران دارد که آنها نیز در صورت ارتکاب چنین اعمال ناشایستی مجازات خواهند شد و این خود درسی است برای آنها تا از اینگونه اعمال دوری کنند (ارشاد، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷-۳۶۵).

۳. تأثیر بزه‌پوشی بر فرهنگ جامعه: اسلام در بیان احکام فقهی و آموزه‌های خود، اهداف مختلفی را دنبال می‌نماید که دارای درجات گوناگون و اولویتهای متفاوتی است. هر چند هدف از بزه‌پوشی و عیب‌پوشی که مورد توجه سیاست جنایی اسلام است. توجه به حفظ کرامت و آبروی خطاکار و جلوگیری از اشاعه فحشا می‌باشد. اما با دقت در آیات قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی متوجه می‌شویم که اهداف دیگری نیز مدنظر است که بعضاً مهمتر از موضوع یاد شده می‌باشد. از منظر اسلام ارتقای اعتماد عمومی، همگرایی آحاد جامعه و اطمینان بخشی به رفتارهای یکدیگر، اهمیت فراوانی دارد که در صورت توجه به آن می‌تواند آثار و فواید، بسیار مثبتی بر شقوق و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد. منظور اسلام از بزه‌پوشی و تغافل، گسترش فضائل اخلاقی در جامعه و تقویت فرهنگ حسن ظن در اجتماع است. فضیلتی که در رشد و کمال انسان و جامعه انسانی نقش بسزایی داشته و فرهنگ عمومی را به سمت و سویی مشخص و سعادت‌مند حرکت می‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: "خوشگمانی از برترین سجایای اخلاقی و بهترین عطایاست" (تمیمی، ۵۵۰، ق، ص ۶۵). آیه ۱۲ سوره مبارک نور می‌فرماید: "لولا اذ سمعتموه ظن المومنین و المومنات بانفسهم خیرا و قالوا هذا افک مبین" چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید؛ مردان و زنان مؤمن به خود گمان نیک نبردند و نگفتند این تهمت آشکار است.

۴. حفظ کرامت انسان: در قرآن کریم به صراحت، کرامت را یکی از اصول مهم انسانی نام می‌برد. آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: "ولقد کرمننا بنی آدم و حملنا فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا" حقا که ما فرزندان آدم را کرامت و شرافت بخشیدیم و آنها را در خشکی و دریا سوار کردیم و آنها را از انواع پاکیزگیها روزی نمودیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌ها برتری دادی. حضرت علی (ع) در باب اهمیت کرامت، می‌فرماید: "الکرم اعطف من الرحم" بخشش بیش از خویشاوندی محبت آورد (دشتی، ۱۳۸۵، ص ۶۸۱).

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: "حیثیت مردم از اموری است که خداوند تبارک و تعالی درباره او بسیار تأکید کرده است و اسلام درباره او بسیار پافشاری کرده است. قاضی‌های محترم دادرها و سایر جاها و کسانی که متکفل قضا هستند یا بازرسی هستند، در هر جا که هستند باید امین باشند و باید مطالبی را که از اشخاص، آنها که سروکارشان با اعراض مردم است، سروکارشان با حیثیت مردم است، با جان مردم است، با ناموس مردم است، اگر نباشد



که به غیر از راهی که خدا تعیین کرده است یک راه دیگر بروند و خدای ناخواسته افشای اسرار مردم را بکنند ولو یک انسان باشد، معصیت کار آنها افشا بخواهند بکنند الا کسانی که معصیت را علنی می‌کنند آنها دیگر در اسلام احترامی ندارند، اما کسانی که تحفظ می‌کنند براین مسائل، در خلوت یک کار خلاف می‌کنند بر فرض اینکه شما مطلع شدید جایز نیست، برایتان که این را افشا کنید حتی برای برادران و حتی برای اهل منزلتان، بنابراین از امور مهمی که برای قاضی، برای آن اشخاصی که بازپرس هستند، برای سازمان بازرسی از امور مهمی که باید مراعات کنند، این است که امین باشند در امری که به آنها محول شده است و اینطور نباشد که سازمانی نباشد برای بازرسی و آن وقت خود معصیت، خدای ناخواسته کند و افشا کند اسرار مردم را و همان جایی که باید گزارش بدهد، بیش از او تعدی به هیچ وجه نباید کرد" (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۹).

#### ۴-۳-۲. در مکاتب غربی

قرن هفدهم و هجدهم میلادی را می‌توان نقطه عطف تغییر و تحولات کیفری و ظهور اندیشه‌های نوین دانست. اندیشه‌هایی که با بهره‌گیری از علوم تجربی و جرم‌شناسی و ارائه نظرات مختلف علمی باعث بروز و ظهور مکاتب مختلف کیفری شدند. در این عصر به دلایلی همچون انحرافات اخلاقی و فکری کلیساها، ظلم و ستم بی حد و حصر برخی حاکمان، قرابت و شناخت نسبت به برخی احکام و آموزه‌های اسلامی، مطالعه کتب برخی اندیشمندان اسلامی و ظهور برخی اندیشمندان غربی، حقوق کیفری وارد مرحله جدیدی شده و برخی نظریه‌های غیر کیفری و روشهای جایگزین مجازات مطرح گردید که در برخی وجوه، قرین بزه‌پوشی است.

#### ۴-۳-۱. نظریه برچسب زنی و انحراف ثانویه

اساس این نظریه را باید در کتاب جامعه‌شناسی آمریکایی (آسیب‌شناسی اجتماعی) ادوین ام لمرت جستجو نمود. در این کتاب نظریه انحراف ثانوی (ارتکاب جرم) مطرح گردیده است. هم‌چنین در سال ۱۹۶۰، هوارد بیگر در کتابی تحت عنوان (جامعه‌شناسی انحراف) به ابعاد مختلف این نظریه پرداخته است (نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۹۱) از مبانی و اصول نظریه برچسب‌زنی، نسبی‌گرایی به مفاهیم اخلاقی و اجتماعی و نگاه افراطی و بدبینانه به سیاستهای کیفری و جرم‌انگاری است. اندیشه برچسب‌زنی، نه تنها واکنشهای کیفری را شالوده افکار منفعت طلبانه دولت و حکومت می‌داند، بلکه اعتقاد دارد افکار عمومی نسبت به زشتی و نادرستی ضدازرشها و ناهنجاریها به خطا رفته و اساساً ضدازرشی در جامعه معنی و مفهوم نداشته و صرفاً امری عارضی است (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ص ۳۰). برچسب مجرمانه علاوه بر تغییر رویکرد فکری فرد خطا کار، باعث می‌شود که جامعه و افراد مختلف در مواجهه با چنین شخصی از رفتارهای خاصی تبعیت

نمایند که ناشی از همان تصویری است که ابزارهای قهرآمیز و سیاست کیفری نهادهای حکومتی ایجاد کرده‌اند. به عبارت دیگر، مردم معمولاً از برجسبهای شناخته شده برای افراد، استفاده می‌کنند که ممکن است در مورد فرد صادق باشد یا نباشد. این فرآیند باعث می‌شود، رفتار مردم و تعاملات آنها با فرد برجسب خورده دچار تغییر شود و ایشان را به سمت ارتکاب مجدد جرم سوق دهد (طوسی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶) این مبنا و اصول برجسب‌زنی با نظریه بزه‌پوشی در برخی وجوه مشترک و متفاوت است. از منظر برجسب‌زنی سیاستهای کیفری بطور مطلق نفی و نهی شده و اعمال و اجرای آنرا زمینه بروز و ظهور انحراف ثانویه و تکرار جرم می‌دانند. این مطلق نگری به ابعاد مختلف کیفری نسبت به تمام رفتارهای هنجارشکن و انتقادات مطرح شده نسبت به آن یک جانبه و یک سویه می‌باشد. برداشتهای اندیشه‌های برجسب‌زنی از سیاستهای کیفری و قهرآمیز هرچند در برخی از مصادیق صحیح می‌باشد لکن حمل آن بر تمام اقدامات کیفری و نفی مطلق آن نادرست به نظر می‌رسد. از همین حیث با سیاست جنایی اسلام در تعارض است. به عنوان نمونه در آموزه‌های اسلامی، سیاست کیفری و حضور نهادهای متولی در برخورد قهری با پدیده‌های مجرمانه مطلقاً نهی نشده، بلکه در برخی موارد اقدامات قهرآمیز را لازم و ضروری می‌دانند. عدم پذیرش تأخیر، شفاعت و کفالت در مجازاتهای حدی که به اثبات و احراز رسیده است، در کنار ترویج و توسعه بزه‌پوشی و عیب‌پوشی تبیین می‌شود.

#### ۴-۳-۲. الغاگرایی کیفری

عدم تحقق اهداف مورد نظر نظام عدالت کیفری در پیشگیری از بزهکاری که مبتنی بر رویکرد سزادهی و اعمال مجازات قهری و کیفری بود، و ارائه نظرات نوین اندیشمندان و جرم‌شناسان اخیر با تکیه بر عدالت ترمیمی و رویکرد بازپروری و توجه به ابعاد مختلف شخصیت مجرم و خطاکار، باعث گردید، سیاست الغاگرایی کیفری، محدودسازی حقوق کیفری و تعدیل مجازاتهای سزادهی، جایگزین دیدگاه اعمال مجازاتهای قهری و کیفری مطلق شود. مطابق نظر الغاگرایی کیفری، راه حل کیفر به طور کلی کیفیت اخلاق، حیات و زندگی در جامعه را تأثیر می‌گذارد. بنابراین رویکرد عدالت کیفری باید با هدف و مبنایی دیگر جایگزین شود که مبتنی بر پرهیز از هرگونه اعمال صدمه و رنج و درد باشد (دهان، ویلم، ۱۳۸۷، ص ۳۲۳-۳۴۸). الغاگرایی کیفری با عناوین و واژه‌های دیگری همچون اصل حداقل بودن حقوق جزا (غلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۵) و اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری (نوبهار، ۱۳۹۳، ص ۴۱-۶۴) بکار رفته است.

#### الف) جرم‌زدایی

منظور از جرم‌زدایی فرایندهایی است که به موجب آنها، صلاحیت نظام کیفری برای اعمال

ضمانت اجرا به منزله واکنشی نسبت به شکل خاصی از رفتار یعنی رفتار مجرمانه خاص، سلب می‌شود. این اقدام ممکن است از رهگذر قانونگذاری یا شیوه تفسیر قوه قضائیه از قانون انجام پذیرد (وایت، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰) که به دو شکل جرم زدایی قانونی و عملی تعریف و تقسیم شده است. جرم زدایی ابعاد مختلفی دارد گاهی ممکن است به وسیله قانونگذاری یا تفسیر خاص قوه قضائیه صورت پذیرد که آنرا جرم زدایی قانونی می‌نامند (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). قسم دیگر آن، جرم‌زدایی عملی است. بدین معنی که پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های سیستم عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا بعضی اوضاع است، هرچند که رسماً و قانوناً در صلاحیت آن سیستم، تغییری حاصل نشده باشد. این فرآیند در هر دو سیستم تعقیب کیفری یعنی سیستم مناسب داشتن و سیستم قانونی بودن واقع می‌شود. این فرآیند در ارتباط با جرایم بدون قربانی واقع می‌شود یا نسبت به برخی جرایمی که اساس آنها در اعتقادات سنتی است، اما با تفکرات مدون در چالش بوده است. به ویژه در قبال جرایم اقتصادی خفیف و جرایم ناشی از نقض مقررات راهنمایی و رانندگی (همان، ص ۱۱۵). جرم‌زدایی عملی به صورت مختلف تحقق می‌یابد. ابتدا با تغییرات در رفتار اشخاصی که مستقیماً ذی‌نفع هستند، تا بدانجا که از گزارش و افشای عمل مجرمانه به پلیس خودداری می‌کنند. دوم، به علت احتیاط (مصلحت اندیشی) پلیس در عدم تعقیب بعضی پرونده‌ها یا ارجاع آنها به سایر سیستم‌های اجتماعی است. بنابراین مفهوم جرم‌زدایی عملی در سطح وسیعی، مفهوم انحراف از سیستم عدالت کیفری را شامل می‌شود (مهرا، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱). این موضوع دلایل مختلفی دارد که گاهی به شخصیت بزه‌دیده و شاکی مربوط است (بعنوان نمونه خانمی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد، به دلیل حفظ آبرو از شکایت خودداری می‌نماید). در مواردی نیز توسط ضابطین قضایی یا شاهدین صحنه مجرمانه این جرم‌زدایی محقق می‌شود. بدین صورت که وقوع جرم را مشاهده می‌نمایند، لکن به دلایل موجه یا غیرموجه آنرا گزارش نمی‌کنند. برخی مواقع نیز جرم انگاری افراطی و مطلق بدون توجه به ابعاد دیگر آن، باعث جرم‌زدایی و جرم پوشی می‌شود. بطوریکه رفتاری از منظر قانونگذار جرم تلقی می‌شود. لکن با فرهنگ و خواست مردم در تناقض است و در عمل امکان گزارش و رسیدگی جرم مورد نظر وجود ندارد و جرم انگاری قانونی تبدیل به قانون متروکه می‌شود.

ب) کیفرزدایی

کیفرزدایی نیز از دیگر واژه‌های مورد نظر اندیشه‌های جرم‌شناسی مکاتب غربی بوده که آن را هم‌ردیف جرم‌زدایی تعریف می‌نمایند. کیفرزدایی عبارت است از جرم‌زدایی ناقص، در این حالت یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر می‌گردد ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۷۷).

کیفرزدایی به طرق مختلف اعمال می شود:

۱. قانونگذار جنایتی را به جنبه یا خلاف تبدیل می کند و به همین جهت کیفر به مجازاتی تأدیبی و ساده تبدیل می شود.

۲. در دادسرا به جهات مختلف، جنبه‌هایی که موجب تشدید مجازات است، نادیده گرفته می شود و پرونده با اتهام ضعیفتر به دادگاه ارسال می شود.

۳. قاضی دادگاه عمل ارتكابی را با عنوان مجرمانه کم اهمیت توصیف می کند و یا حتی بدون هرگونه تعقیبی دستور بایگانی شده پرونده را صادر می کند (احمدی ابهری، ۱۳۷۷، ص ۳۸۳).

ج) قضا‌زدایی

قضا‌زدایی نیز در کنار جرم زدایی و کیفرزدایی، به عنوان واژه‌ای نوین در سیستم عدالت کیفری مطرح شده است. منظور از قضا‌زدایی، مکانیزمی است که در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر سازمانها و روشهای رسیدگی اعمال می شود. بنابراین عنوان مجرمانه از جرم زدوده می شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می گردد (نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ص ۷۷). قضا‌زدایی حکایت از رویکردی است که معتقد است در بسیاری از موارد، حضور متهم در دستگاه عدالت کیفری موجب بدنامی آنان می شود و این امکان وجود دارد که به واسطه فرآیند برچسب زنی قرار گرفته است و نقش آن فردی را می پذیرد که در برچسب زنی به او القا کرده‌اند (وایت، ص ۱۲۴).

د) تعقیب زدایی کیفری

در نظام عدالت کیفری، دادستان و دادسرا به عنوان مرجع تعقیب و تحقیق جرایم و انحرافات اجتماعی ایفای نقش می نمایند. تأثیرگذاری این مقام تعقیب بر دو رویکرد متفاوت پایه‌گذاری شده است. رویکرد اول، حداکثری تعقیب که از حضور دادستان در تمام جرایم و تکلیف بی چون و چرای ایشان در تعقیب کیفری صحبت می نماید و رویکرد دیگر آن، حداقلی تعقیب است که با توجه به ناکارایی و عدم موفقیت روش حداکثری و اطلاع دادرسی، مطرح شده است. بدین صورت که از تکالیف و وظایف دادستان در حوزه تعقیب کاسته و اختیارات و انعطاف بیشتری به ایشان واگذار می شود. تا در صورت لزوم از آن استفاده نماید. رویکرد حداقلی تعقیب از آثار و نتایج الغاگرایی کیفری بوجود آمده و به دنبال کاهش اقدامات کیفری در سیاست جنایی است. بدین معنی که مراحل مختلف کیفری اعم از تعقیب، تحقیق، تعیین، اعمال مجازات و اجرای حکم از رویکرد حداکثری کیفری به حداقلی کیفری تبدیل شود. بر همین اساس تعقیب زدایی کیفری، مجموعه‌ای از تدابیر و اختیاراتی است که بر اساس شرایط مختلف پیرامون بزه، بزه دیده

و بزهارکار به دادستان واگذار می‌گردد تا از طریق آن با اتخاذ راهکارهای غیرکیفری به نتیجه مورد نظر برسد. تعقیب زدایی به معنای عدم تعقیب نیست، بلکه افزایش انعطاف و اختیارات دادستان است. تا بر اساس اصل اصلاح و تنبه از رویکرد غیرکیفری و اقدامات جایگزین جزا بیشتر بهره گرفته شود. با افزایش اختیارات دادستان، دادسرا از ماهیت اداری خارج شده و جنبه قضایی به خود می‌گیرد. قضاوتی شدن دادسرا به این معنا است که وظایف قضات نشسته و صلاحیت محاکم کیفری به دادسرا نیز اعطا می‌شود. با تقویت صلاحیت مقامات دادسرا، آنها اختیار حل و فصل جرایم کم اهمیت را پیدا می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۶). دلایل و مبانی مختلفی در شکل‌گیری تعقیب زدایی نقش داشته و اختیارات دادستان را در این زمینه وسیع نموده است. برخی از این دلایل در سیر و مراحل دادرسی و نظام عدالت کیفری بوده و بخشی نیز مربوط به حوزه جرم‌شناسی و دستاوردهای علمی است. برخی مشکلات در نظام قضایی همچون تجمع پرونده‌ها در دادسرا، افزایش جمعیت زندانها، اطاله دادرسی، کمبود نیروی انسانی متخصص و متعهد، هزینه‌های سنگین اقتصادی، اصلاح ناپذیری و افزایش حجم تکرار جرم توسط مجرمین و ... از دلایل پذیرش تعقیب زدایی و افزایش اختیارات قضایی دادستان می‌باشد. هم‌چنین برخی پژوهش‌های علمی و نظرات اندیشمندان در حوزه جرم‌شناسی و علوم جنایی و رویکرد نوین سیاست جنایی در کنترل و خنثی‌سازی علل و عوامل مجرمانه از مبانی این مفهوم و صلااحات علمی است. براساس چنین روش و شیوه‌ای، قانونگذار، مجرمان قانونی خطرناک و سابقه‌دار در تعیین مجازات و اعمال اقدامات کیفری از سختگیری بیشتری استفاده می‌کنند. لکن نسبت به مجرمین عادی و معمولی با ارفاق، تخفیف و برنامه‌های غیرکیفری، بدنبال جلوگیری از تکرار جرم آنها می‌باشند. از این امر با عنوان دوگانه یا دو راهبردی شدن حقوق کیفری نام برده شده است. در راهبرد کیفری دوگانه، بزهارکاران به دو دسته "استثنایی یا خطرناک" و "معمولی یا دانه‌ریز" طبقه‌بندی می‌شوند، تا گروه اول با برخوردی شدید و سزاگر ناوان شده و گروه دوم با برخوردی ملایمتر و بعضاً اصلاحی به دامن اجتماع برگردند (صفاری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵). دیدگاه الغاگری کیفری برای برون رفت از آثار منفی برچسب‌زنی، پیشنهاد می‌کند که واکنش نظام جزایی در برابر رفتارهای مجرمانه، باید مبتنی بر نوعی سیاست تغییر مسیر باشد، باید تمامی تلاش ممکن را به خرج داد تا قشرهای خاصی از مجرمان به مسیری جدای از مسیرهای رسمی دادرسی در نظام جزایی هدایت شوند. مسیری که آنان را از تماس با بخش عمده‌ای از ارکان رسمی این نظام به دور می‌دارد و از این طریق، احتمال بد نام شدن آنان را کاهش می‌دهد (سلیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷). افزایش اختیارات دادستانها توسط قانونگذاران، در راستای جلوگیری از ایراد برچسب

بزهکاری بر افرادی است که برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند (آشوری، ۱۳۹۰، ص ۳۴۵). در فرآیند تعقیب‌زدایی، دادستان از طریق تعلیق تعقیب، بایگانی پرونده، میانجیگری و جبران خسارت بزه دیده، تلاش می‌نماید تا پرونده در همان دادسرا تعیین تکلیف شود تا از برچسب و انگ مجرمانه مجرم جلوگیری شود و از انحرافات ثانویه و تکرار جرم ممانعت بعمل آید. دادستان با بهره‌گیری از تعقیب‌زدایی، پرونده را از نظام کیفری خارج و آن را به سمت نهادهای مردمی و سازمانهای غیررسمی هدایت می‌کند. تعقیب‌زدایی در بازپروری و اصلاح شخصیت مجرم نقش بسزایی دارد. اما این فایده تنها به بزهکار ختم نمی‌شود و نسبت به طرفین دیگر دعوا همچون بزه دیده و جامعه نیز مفید است. هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی، افزایش جمعیت کیفری، افزایش حجم پرونده‌های جزایی، عدم دقت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی، کم‌رنگ بودن نقش مردم و سازمانهای غیردولتی در فرآیند رسیدگی قضایی و ... همگی از جمله معضلات نظام قضایی مطلق است که برای جامعه و عموم مردم مشکلات فراوانی را ایجاد نموده است. بطور حتم تعقیب‌زدایی و اتخاذ روشهای غیرکیفری و تربیتی از طریق مشارکتهای مردمی و سازمانهای غیردولتی بر کاهش هزینه‌های یاد شده مؤثر و مفید است و می‌تواند ضمن اصلاح و بازپروری مجرم از مشکلات جامعه بکاهد. کاهش دخالت‌های نظام کیفری و پررنگ نمودن نقش و حضور نهادهای فرهنگی و غیررسمی استفاده از برنامه‌های تربیتی آثار مثبت و سازنده بسیاری برای جامعه دارد. بزه دیده بعنوان طرف دعوی که از اقدامات مجرمانه بزهکار دچار خسارت و ضرر شده نقش مهمی در نظام کیفری دارد. از دلایل توجه نظام عدالت کیفری در تعقیب، تحقیق و مجازات بزهکار، خواست بزه دیده و جبران خسارت ایشان است. حضور بزه دیده در فرآیند رسیدگی کیفری، مستلزم مشکلاتی برای ایشان است. هزینه‌های فراوانی، رفت و آمدهای مکرر، مشاهده صحنه‌های ناخوشایند و خستگی مفرط بزه دیده در سیستم قضایی، باعث ندامت و پشیمانی شده و باعث می‌شود در برخی موارد از پیگیری پرونده صرف‌نظر نماید. در بسیاری از موارد نیز خسارت ایشان جبران نمی‌شود و مجازات کیفری بزهکار نمی‌تواند مرهمی بر آسیبهای مالی و ضررهای مادی ایشان شود. تعقیب‌زدایی برای بزه دیده فواید فراوانی دارد. اولاً این فرآیند باعث می‌شود که انگیزه بزهکار در جبران خسارت وارده به بزه دیده مضاعف گردیده و تلاش نماید رضایت بزه دیده را اخذ نماید. ثانیاً از هزینه‌های بزه دیده و رفت و آمدهای مکرر ایشان که تا پایان فرآیند دادرسی طول می‌کشیده، کاسته و در همان مراحل اولیه تعقیب به هدف خود می‌رسد. ثالثاً مورد نفرت و انتقام مجدد بزهکار قرار نمی‌گیرد. بر همین اساس است که از شرایط مهم فرآیند تعقیب‌زدایی بزهکار، جبران خسارت و رضایت بزه دیده می‌باشد.

## ۵. روش‌شناسی پژوهش

روشی که برای پژوهش مذکور انتخاب شده است، توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های دقیق منابع مختلف و مرتبط با موضوع است. هم‌چنین مطالعه رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های مختلف از طریق مراجعه حضوری به دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های مرکزی و سایت‌های اینترنتی و فضای مجازی صورت گرفته است. این روش توصیفی، از طریق جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و تجزیه و تحلیل پیرامون آنها بعمل آمده است.

## ۶. یافته‌های تحقیق

مخفی‌سازی و نهناسازی نسبت به برخی جرایم حدی و تعزیرات جنسی که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید بوده و منابع مختلف فقهی به آن سفارش شده است، از جمله نظرات و اندیشه‌های جرم‌شناسی اسلامی است که در برخی آیات قرآن کریم، روایات و احادیث، سنت و اجماع ذکر شده است. این مبانی نظری در طول سالیان متمادی از صدر اسلام تاکنون از طرق و مواضع مختلف به ترویج و تقویت این اندیشه اسلامی در حوزه حقوق کیفری اسلامی پرداخته و اصرار بر پیاده‌سازی آن در قوانین عرفی داشته‌اند. در این پژوهش پس از بررسی‌های به عمل آمده پیرامون مبانی نظری بزه‌پوشی در منابع فقهی و اسلامی و هم‌چنین برخی اندیشه‌های نوین غربی که از منظری مشابه و قرین نظریه مذکور هستند، موارد زیر به عنوان یافته‌های تحقیق ذکر می‌گردد:

منظور از بزه پوشی در ادبیات حقوقی، همان نهناسازی، مخفی‌سازی و عیب‌پوشی از برخی انحرافات و جرایم اخلاقی فردی است که با هدف شرمساری، تنبیه درونی، ندامت، پشیمانی و بازپروری خطاکار صورت می‌گیرد. در این روش به دلیل حفظ آبرو و حیثیت مجرم و خانواده ایشان و هم‌چنین جلوگیری از افشای اسرار فردی و نشر و اشاعه مفاسد اخلاقی که باعث ترویج بی بند و باری اخلاقی در جامعه خواهد شد و عادی‌سازی اینگونه جرایم را به همراه خواهد داشت، سیاست قضایی را در برخی جرایم اخلاقی جایز ندانسته و آنرا راهکار مناسبی نمی‌داند. دایره شمول بزه پوشی در همه جرایم حدی و تعزیری جاری و ساری نیست، بلکه تنها در موارد معینی که آموزه‌های فقهی اشاره و تبیین نموده‌اند، بکارگیری شوند. بر اساس مبانی اسلامی، این نظریه غالباً در جرایم اخلاقی خصوصی و فردی سفارش شده و در جرایم باندی، سازمان یافته و علنی نمی‌توان از آن بهره گرفت.

شناخت و درک صحیح از مبانی نظری بزه پوشی برای مجریان، متولیان و مقامات مسئول

در امر سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی بسیار مهم است و باید دقت کرد از افراط و تفریط در آن اجتناب نمود. اعمال بزه پوشی غیرقانونی و کتمان ارجاع برخی جرایم که از وظایف قانونی ضابطین قضایی به دستگاه قضایی است، از جمله آفات عدم درک صحیح نسبت به حدود بزه پوشی است.

بر اساس اندیشه‌های اسلامی و منابع دینی، نظریه بزه پوشی محدود به زمان و مکان خاصی نبوده و بعنوان نظریه‌ای مستقل در حقوق کیفری و جرم‌شناسی مطرح شده است.

اگر چه این نظریه در حوزه جرایم اخلاقی و خلاف عفت عمومی است اما به نظر می‌رسد قابل تعمیم به برخی جرایم تعزیری سبک که امکان گذشت و چشم‌پوشی دارد نیز هست. به هر تقدیر اعمال سیاست کیفری و مجازات‌های قهری برای جرایم سبک تعزیری در بسیاری از مواقع، بازدارنده نبوده است.

از نظر محقق و بر اساس مستندات و مدارک موجود، نشر و توسعه علوم اسلامی، متون فقهی، اندیشه‌های دانشمندان اسلامی در کشورهای غربی بویژه بعد از عصر رنسانس در نهضت علمی و انقلاب فکری آن کشورها مؤثر بوده است. حقوق کیفری نیز در این امر مستثنی نبوده و اثرات فراوانی از اندیشه‌های اسلامی دریافت کرده است.

اندیشه‌های مکاتب کیفری بعد از قرن ۱۸ تغییرات بنیادی یافته و رویکرد آنها از سیاست صرف کیفری به سمت استفاده و بهره‌برداری از شیوه‌های علمی و پیشگیرانه حرکت داشته است. این اندیشه‌ها بر اساس رویکردهای روانشناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناختی و شناخت راهکارهای دقیق در جهت کنترل، کاهش و خنثی سازی عوامل جرمزا و همچنین اصلاح و بازپروری بزهکاران مطرح شده است.

اگر چه نظرات نوین جرم‌شناسی، یافته‌های مثبت و سازنده‌ای داشته و تحولات ارزنده‌ای در حقوق کیفری داشته‌اند اما برخی اشکالات از جمله عدم توجه به رویکردهای معنوی، افراط و تفریط در استفاده از برنامه‌های غیرکیفری، عدم ثبات در نظرات نظریه پردازان و یکسویه نگری نسبت به تمام جرایم، باعث گردیده اهداف مورد نظر بطور کامل محقق نشود.

برخی نظریه‌های غربی که در این تحقیق مورد اشاره قرار گرفت از جهاتی به اهداف بزه پوشی نزدیک بوده است. این اندیشه‌های غیرکیفری بر سیاست قضازدایی و کیفرزدایی استوار می باشد. البته با توجه به تفاوت عمیق در رویکردهای فکری و اعتقادی نظریه پردازان اسلامی با غربی، اختلافات مبنایی نیز بین آنها وجود دارد.

به نظر می‌رسد توجه دقیق به مبانی نظری بزه پوشی و دستاوردهای آن باید بطور کامل در



حقوق کیفری و قوانین عرفی ج.ا.ا پیاده‌سازی شود تا اینکه نتایج و یافته‌های آن در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی متبلور گردد.

از دیگر یافته‌های این تحقیق که در نظریه بزه‌پوشی مورد توجه قرار گرفته است، تقویت اعتماد عمومی و ترجیح مصلحت‌های اجتماعی بر فردی است. این موضوع بسیار مهم و حیاتی است. در جامعه‌ای که بی‌اعتمادی بین افراد گسترش یابد، حس کنجکاو بی مورد، سوء ظن و بدبینی به یکدیگر فراگیر شود، سعادت و رشد و تعالی حاصل نخواهد شد.

## ۷. نتیجه‌گیری

نظریه بزه پوشی بعنوان شیوه‌ای جدید و غیرکیفری در مواجهه با انحرافات اجتماعی و جرایم اخلاقی، از آموزه‌های اسلامی و قرآنی وارد ادبیات حقوق کیفری شده و توانسته اثرات مثبت و سازنده‌ای را در حوزه مذکور بر جای بگذارد. این نظریه در برخی جرایم حدی و منافی عفت به جای برخوردهای قهری و کیفری، از نهان سازی و ایجاد حس شرمساری و ندامت درونی بهره می‌برد تا ضمن اصلاح و تنبه واقعی و حفظ آبروی مجرم، از افشا و اشاعه منکرات اخلاقی در جامعه مراقبت نماید. براین اساس توجه و تمرکز این نظریه تنها محدود به اصلاح و بازپروری مجرم نبوده بلکه بدنبال برپایی جامعه‌ای مترقی با بهره‌گیری از گسترش اعتماد عمومی و ایجاد فضای حسن ظن است. از منظر حقوق کیفری اسلام، رشد و اصلاح افراد خاطی و برگشت آنها به مسیر متعالی ارتباط مستقیم و مؤثری با جامعه سالم و صالح دارد. در چنین جامعه‌ای است که می‌توان انتظار داشت انحرافات فردی تبدیل به رویکردهای مفید و مناسب شود. بیان این نظریه توسط اسلام، در ایامی که بسیاری از قبایل و جوامع بشری تنها در اندیشه اعمال مجازات‌های شدید و غیرانسانی بودند و هیچ توجه‌ای به شخصیت بزهکار و خانواده ایشان نداشتند، تأکید دیگری است بر جامعیت و حقانیت آموزه‌های اسلامی و غنای علمی و شیوه‌های نوین این دین آسمانی که می‌بایست بدان توجه فراوانی داشت. مطالعه تاریخی در کتب دینی و اندیشه‌های بشری در مکاتب انسانی نشان می‌دهد، چنین روشی در هیچ یک از مکاتب بشری و دینی قبل از ظهور اسلام مطرح نبوده است. ارائه نظریه‌های علمی در مکاتب نوظهور کیفری، از قرون ۱۸ میلادی به بعد مطرح که در قیاس با قدمت و سابقه آموزه‌های قرآنی بسیار نو و جدید است. سیر مطالعاتی پیرامون سوابق حقوق کیفری غرب بویژه بعد از عصر رنسانس و افزایش تعاملات اجتماعی اسلام با جوامع غربی، نشان دهنده تأثیرگذاری فراوان اندیشه‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف بویژه حقوق کیفری آنها دارد. تأثیرگذاری بزه‌پوشی بر اندیشه‌های مکاتب حقوق کیفری در نظرات غربی را نمی‌توان نادیده گرفت.

نظریه‌های اندیشمندان غربی با رویکردهای فکری متفاوت و با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و نظری که با برخی آزمایشات تجربی عجین شد، باعث بروز و ظهور مکاتب کیفری جدید و اندیشه‌های جرم‌شناسی نوین شده و مفاهیم جدیدی در عرصه علوم کیفری مطرح گردید، نگاه سیاست کیفری و مجازات‌های قهری، رفته رفته به برنامه‌های پیشگیرانه، تربیتی و اصلاحی تغییر یافت. مفاهیم جدیدی همچون قضازدایی، کیفرزدایی، برچسب زنی، حبس زدایی، جرمزدایی، تعقیب زدایی و اقدامات تأمینی در سیاست جنایی تبلور یافته و در بسیاری از جهات، جایگزین کیفر و مجازات شدند. این روند به سایر کشورها تسری یافته و در قوانین عرفی برای خود جایی ثابت پیدا کرد. این نتایج حاصل تغییر رویکردهای فکری اندیشمندان به نیازهای انسانی و حقوق فردی و اجتماعی آنها بوده که در این بین نقش آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های حقوق کیفری اسلام بی‌بدیل است.

به نظر محقق توسعه کمینه‌سازی کیفری، ترویج میانجیگری، سیاست حبس زدایی، قضازدایی و توجه مضاعف به سیاست غیرکیفری در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ج.ا.ا. در دیگر جرایم تعزیری نیز از اثرات نظریه بزه پوشی است. توسعه دامنه بزه پوشی بر دیگر جرایم، گسترش نهادها و مقامات متولی بزه‌پوشی، عدم توجه به مواعد دادرسی در پیاده‌سازی این نظریه، جاری‌سازی این نظریه برای برخی مجرمین حرفه‌ای از آفات و برداشتهای نادرست مفسرینی است که به اهداف واقعی بزه‌پوشی توجه ندارند. بر این اساس هرچند میان نظریه بزه‌پوشی با اندیشه‌های جرم‌شناسی در این زمینه شباهتهایی است، لکن در بسیاری موارد متفاوت بوده و رویکردها و اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند.

## ۸. پیشنهادهای کاربردی

- بازنگری در خصوص استفاده و بهره‌برداری از دامنه این نظریه در شقوق سیاست جنایی بویژه در مرحله تقنین و قانونگذاری و توجه به وجوه اشتراک و افتراق این نظریه با اندیشه‌ها و نظرات حقوق کیفری در غرب
- تعریف دقیق، جامع و کامل این نظریه در ادبیات حقوقی و معین نمودن دایره آن در حوزه جرایم مختلف
- مرزبندی و تفکیک کاربرد این نظریه در بین آحاد جامعه با کارگزاران و کارکنان مؤسسات دولتی و عمومی غیردولتی که رفتار آنها می‌تواند بر اعتبار سازمان مؤثر باشد. به نظر می‌رسد در رابطه با کارکنان دولتی استفاده و بهره‌برداری از این نظریه باید مزیق باشد.

- اطلاع رسانی جامع و تعریف برنامه‌های آموزشی برای آحاد مردم و بویژه متولیان امر در دستگاه‌های انتظامی و قضایی در جهت رعایت دقیق و پیاده‌سازی کامل این نظریه در اجرای وظایف و تکالیف معین شده
- جلوگیری از تفاسیر و برداشت‌های شخصی و بعضاً سلیقه‌ای توسط برخی اشخاص حقیقی و حقوقی بویژه در مرحله اجرا از طریق صدور آراء وحدت رویه و نشست‌های علمی و نظریه‌های مشورتی
- پرهیز از گسترش بی حد و حصر دامنه این نظریه در حوزه‌هایی که با آموزه‌های اسلامی و قوانین عرفی در تعارض بوده و همخوانی ندارد.
- تعریف و تبیین دقیق و جامع اهداف این نظریه در نحوه و چگونگی کشف و رصد این جرایم بویژه در مواردی که بطور اتفاقی و بدون قصد و هدف جرایم اخلاقی کشف می‌شوند.
- مرزبندی مراحل مختلف قضایی اعم از تعقیب، تحقیق، کشف و اجرای احکام قضایی مرتبط با جرایم اخلاقی و نحوه بکارگیری نظریه بزه پوشی نسبت به هر یک از آنها
- برگزاری نشست‌های علمی میان اندیشمندان اسلامی و غربی پیرامون ترویج نظریه بزه پوشی

## ۹. سپاسگزاری

بر خود فرض می‌دانم از تمام عزیزانی که در حوزه‌های مختلف با راهنمایی، مشورت، هدایت، نگارش و چاپ این مقاله، دلسوزانه بنده را یاری نموده و مساعدت‌های لازم را در جهت تهیه، تکمیل و چاپ آن بعمل آوردند، تشکر و قدردانی داشته و از خداوند منان توفیق روزافزون و موفقیت آنها را خواستارم. هم‌چنین از فصلنامه وزین نظارت و بازرسی نیروی انتظامی و متولیان محترم و عزیز آن که همکاری لازم را با بنده داشته‌اند.

## فهرست منابع

- ابن اخوه (۱۳۶۰). معالم القرية، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- احمدی ابهری، محمد علی (۱۳۷۷). اسلام و دفاع اجتماعی، قم، دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی، چ اول.
- ارشاد، علی اکبر (۱۳۸۷). دانشنامه امام علی (ع)، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه، ج ۵.
- الترمذی، ابو عیسی (۱۴۲۱ ق.). الجامع الصحیح، قم، انتشارات بیتا، ج ۲.
- الجوزیه، ابن القیم (۱۴۱۲ ق.). الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، بیروت، مؤسسه دار الجیل.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۳۲۸ ق.). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، دارالعلم الملائین، چ چهارم، ج ۲.
- الجبعی العاملی، زین بن علی (۱۴۱۳ ق.). مسالک الافهام، قم، مکتبه البعیرتی، ج ۲.
- الحسینی البحرانی، السید هاشم (۱۴۱۹ ق.). البرهانی فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ اول، ج ۷.
- الحسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۰۳ ق.). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، ج ۱۱.
- الشرتوتی البنانی، العلامه السعید (۱۳۷۷). اقرب الموارد، تهران، دارالاسود، چ اول، ج ۲.
- السیوطی، جلالدین عبدالرحمن ابی بکر (۱۳۶۲). المستور تفسیر الأثر، بیروت، دارالکتب، ج ۵.
- الطوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۷ ق.). المیسوط فی الفقه، قم، المکتب المرتضویه، ج ۸.
- آشوری، محمد (۱۳۹۰). تحول جایگاه دادسرا و ترافی شدن امر تعقیب، تأملاتی در حقوق تطبیقی به مناسبت نکوداشت دکتر سیدحسین صفایی، تهران، انتشارات سمت، چ سوم.
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹. روزنامه جوان، یکشنبه ۱۳۹۳/۶/۲۳.
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۹). سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، تهران، انتشارات مشعل.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴). سیاست جنایی در اسلام و ج.ا.ا، تهران، انتشارات سمت، چ چهارم.

- خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۶). پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، تهران، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- خزانی، حسن بن شعبه (۱۳۸۲). ترجمه جنتی احمد، تحف العقول، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
- دهان، ویلم، ترجمه غلامی (۱۳۸۷). حسین الغاگرایی و کنترل جرم، تناقض در اصطلاحات، پژوهش حقوق و سیاست، تهران، ش ۲۴.
- رضائی نوری، محمود (۱۳۷۶). فرهنگ حقوقی مدین، تهران، مؤسسه انتشارات مدین، چ سوم.
- رهایی، محسن (۱۳۸۴). زمینه عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، تهران، مجله حقوقی و علوم سیاسی، ش ۷۴.
- خاتمی، سید احمد (۱۳۷۲). مجموعه درسهای امر به معروف و نهی از منکر، تهران، پایگاه بسیج شهید مصطفی خمینی.
- خویی، سیدابوالقاسم، ترجمه سعید، علیرضا (۱۳۹۱). مبانی تکمله، تهران، انتشارات خرسندی، ج ۲.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۱ق). الاشیاء و النظایر، دار الکتب العلمیه الاولی.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۸۷). الام، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ج ۶.
- شهابی خراسانی، محمود (۱۳۷۶). ادوار فقه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ هشتم.
- صفاری، علی (۱۳۹۲). کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، تهران، انتشارات جنگل، چ هفدهم.
- طوسی، محسن (۱۳۸۶). آموزه‌های دینی و نظریه برچسب‌زنی، تحلیل محتوای گزاره‌های حدیثی، فصلنامه علوم حدیث، س پانزدهم، ش ۲.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). تکرار جرم، تهران، انتشارات میزان، چ سوم.
- قطب، محمد؛ ترجمه عابدی، محمد علی (۱۳۵۲). اسلام و نابسامانیهای روشنفکران، تهران، انتشارات محمدی.
- قنواتی، جلیل (۱۳۷۷). نظام حقوقی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۳). اصول کافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، باب ستر الذنوب، ج ۲، چ سوم.

- متقی، هندی (۱۴۱۰ ق). ادراً الحدود ما استلعتهم، كز العمال بيروت، مؤسسه الرساله، ج ۵.
- محمصانی، صبحی رجب (۱۳۸۶). فلسفه قانونگذاری در اسلام، قم، آثار اندیشه، چ اول.
- محمودی، جواد (۱۳۸۵). قضازدایی و جرم زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، س ششم، ش ۱۹.
- موسوی الخمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم نشر امام، ج ۱۷، چ اول.
- موسوی الخمینی، روح الله (۱۳۸۲). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام، چ ۲۷.
- مهرا، نسرین (۱۳۷۷). درآمدی بر جرم زدایی، کیفرزدایی و قضاذدایی، مجله تحقیقات حقوق دانشکده حقوق، ش ۲۱-۲۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسن (۱۳۸۲). میانجیگری کیفری، جلوه ای از عدالت ترمیمی، دیپاچه عباسی، مصطفی، افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). دانشنامه جرم شناسی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول.
- نجفی توان، علی (۱۳۹۹). جرم شناسی، تهران، آموزش و سنجش، چ هجدهم.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۳). اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، چ اول.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). مقررات کیفری و جرائم و مجازاتها در تورات، فصلنامه مفید، ش ۱۷.
- نوذری، عزتاله (۱۳۸۰). مسیحیت تا آغاز عصر روشنگری، تهران، انتشارات دقت.
- وارن، ژان؛ ترجمه شکیباپور، عنایت اله (۱۳۶۲). زرتشت چه می گوید، تهران، انتشارات سعیدی، چ اول.
- وایت، راب؛ هینس، فیونا؛ ترجمه سلیمی، علی (۱۳۹۰). جرم و جرم شناسی (متن درسی نظریه های جرم و کجروی)، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، چ چهارم.
- وایت، راب؛ هینس، فیونا (۱۳۸۱). درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه روح الله صدیق بطحایی، تهران، نشر دادگستر، چ اول.
- غلامی، حسین (۱۳۹۳). اصل حداقل بودن حقوق جزا، تهران، نشر میزان، چ اول.